



## واکاوی مفهوم هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن

ساناز بهشتی راد<sup>۱\*</sup>، ریحانه السادات سجادی<sup>۲</sup>

### چکیده

مکان نخستین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است و از این رو پرداختن به آن اهمیت می‌یابد. احساس تعلق و وابستگی به مکان از هویت مکان نشأت می‌گیرند در نتیجه، مکانی که دارای هویت باشد می‌تواند یادآور باورها و اعتقادات افراد مرتبط با آن باشد و به هویت بخشیدن به آنان و ایجاد حس تعلق در آن‌ها کمک کند. از سویی دیگر، بی‌مکانی باعث بی‌هویتی می‌شود و در دنیای بی‌مکان امروز، بحران هویت مکانی از بارزترین مشکلات معماری است. از میان روش‌های کلی تجزیه و تحلیل این تحقیق روش کیفی را دنبال می‌کند و به منظور تحلیل داده‌های کیفی روش تحلیل محتوا استفاده می‌شود. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات اسنادی که از طریق مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، پژوهش‌های پیشین، مجلات و منابع اینترنتی مرتبط با موضوع صورت گرفته است به جست‌وجوی مفهوم هویت مکانی و شناخت عوامل مؤثر بر آن، مفاهیم و دیدگاه‌های مختلف در باب هویت و مکان پرداخته و جداگانه را ارائه می‌دهد. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهند که عوامل تأثیرگذار بر هویت مکانی در چهار دسته کلی مکان، زمان، انسان و جامعه قرار می‌گیرند. این مقاله ضمن توضیح چگونگی و چرایی ارتباط هریک از این عوامل چهارگانه با هویت مکان به معرفی عوامل ریزتر و در واقع زیر مجموعه‌های این عوامل اصلی می‌پردازد و در انتها نموداری از روابط این عوامل و چگونگی شکل‌گیری هویت مکان ارائه می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** هویت، مکان، هویت مکانی، انسان، زمان

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان اصفهان

۲- دکترای مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، مدرس مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان اصفهان

\* نویسنده مسئول: sanaz.brad@yahoo.com

## ۱- مقدمه

هویت مفهومی پویاست که در گذر زمان دچار تغییراتی مستمر و به هم پیوسته می‌شود که مانند یک زنجیر حلقه‌های به هم پیوسته‌ای را شکل می‌دهد تا گذشتگان یک سرزمین را به باشندگان حال و ایشان را به آیندگان متصل کند. هویت یک سرزمین به واسطه مؤلفه‌های فرهنگی، آداب و رسوم، عادات و هنر یک قوم در مکان جغرافیایی خاصی شکل می‌گیرد. در این رابطه باید گفت هنر و معماری یک سرزمین جزئی از فرهنگ است که شاکله‌ای از هویت‌سازی آن ملت هم به شمار می‌رود (حبیب، نادری و فروزانگر ۱۳۸۷).

معماری سنتی به دلیل داشتن اصول پایداری چون وحدت، حکمت، صداقت، قناعت ... دارای هویت بوده است ولی در معماری مدرن عواملی چون عوامل اجتماعی و فرهنگی و تحولات تکنولوژی باعث از بین رفتن خاطرات جمعی و حس تعلق و در نهایت بی‌هویتی دنیای امروز شده است.

معماری امروز، معماری هویت‌های پویا و گذرای عصر جدید است. این هویت‌های پویا و گذرا در سایر هنرها و ادبیات نیز می‌آیند و می‌روند و آثاری را بر جای می‌گذارند. ولی تنها در معماری است که به علت ماندگاری اثر و هم‌نشینی بناها، اختلاط هویت‌ها و به تعبیری دیگر بی‌هویتی معماری به چشم می‌آید (حجت ۱۳۸۴).

روش تحقیق در نوشتار حاضر مبتنی بر مطالعات اسنادی است و بر اساس مرور مستندات مربوط به تحقیقات بارز و برجسته در زمینه‌های مکان، هویت و هویت مکان صورت گرفته است. در این راستا، این پژوهش در چهار بخش تدوین یافته است. این بخش‌ها به ترتیب شامل موارد زیر است:

## ۱- نظریات و تعاریف مرتبط با هویت

## ۲- نظریات و تعاریف مرتبط با مکان

## ۳- نظریات و تعاریف مرتبط با هویت مکانی

## ۴- عوامل مؤثر بر هویت مکانی

در انتها با استناد به موارد ذکر شده در این چهار بخش، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، برای عوامل مؤثر بر هویت مکانی دسته‌بندی چهارگانه‌ای ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر می‌باشد:

## ۱- مکان

## ۲- زمان

## ۳- انسان

## ۴- جامعه

سپس در هر یک از این دسته‌های اصلی به بیان و بررسی عوامل ریزتر مرتبط با آن دسته می‌پردازد.

## ۲- هویت: تعاریف و دیدگاه‌ها

## ۲-۱- واژه‌شناسی هویت

«فرهنگ عمید» در مدخل هویت از صفات جوهری یاد می‌کند و «فرهنگ معین» آنچه را که موجب شناسایی شخص یا شیئی باشد را به عنوان تعریف هویت ذکر می‌کند. واژه‌نامه آکسفورد هویت را کیستی و چیستی شخص می‌داند. ریشه لاتین لغت هویت که «ایدنتیتاس» می‌باشد و از دو بخش «ایدم» به معنای همان و «انتیتاس» به معنای وجود و در مجموع به معنای «همان موجود بودن» است از همین رو یکی از تعاریف هویت در رابطه با موجودیت شخص می‌باشد.

چنان‌که از واژه‌شناسی هویت برآمد، انسان مؤلف و شناسنده‌ی معماری است. بنابر نظر اندیشمندان، زمان و مکان ظرف حاوی محتوای عالم پدیدار می‌باشند و فعالیت‌های انسانی از جمله معماری او در طول زمان و در مکان معنا می‌یابند (حبیبی ۱۳۸۳).

می‌گردد (حجت ۱۳۸۷). به عبارتی وحدت تصور ذهنی (توقع یا انتظار ذهنی) با عینیت را هویت می‌توان دانست. کسی بیان می‌دارد که هویت توسط امر درون ذهنی و از طریق روابط متقابل با جهان بیرون شکل می‌گیرد که هر کدام بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. (۲۰۰۱ ذکر شده در شریفی و دیگران ۱۳۹۲).

جدول (۱). بررسی مفهوم هویت در دیدگاه‌های مختلف

از صفات جوهری	واژه‌شناسی
موجب شناسایی شخص یا شیئی	
کیستی و چیستی شخص	
موجود بودن	عرفانی
به ذات مطلق خداوند	
معنی وجود و هستی	
شناخت مرز خود از دیگری	
از احساسی که انسانی نسبت به	روانشناسی
استمرار حیات روانی خود دارد	
یگانگی و وحدتی که در تقابل	پدیدارشناسی
اوضاع و احوال متغیر خارج	
عبارتی وحدت تصور ذهنی با عینیت	

مأخذ: نگارندگان

## ۲-۲- مکان: تعاریف و دیدگاه‌ها

اصطلاح مکان به شکل رایج از دهه‌ی ۱۹۷۰ در جغرافیا مورد توجه واقع شده است. توجه به آن در اثر ارزیابی‌های انتقادی از مکان، به‌ویژه در اندیشه‌های فلسفی، در اواخر دهه‌ی ۶۰ صورت گرفت (Kaltenborn and Williams 2002).

پدیدارشناسی هوسرل در آغاز قرن بیستم که بر تجربه‌های مستقیم سوژکتیو و درک جهان زندگی شخصی تأکید داشت، در توجه به مکان مؤثر بود (husserl1970).

در ادبیات عرفانی ایران، هویت به ذات مطلق خداوند اطلاق می‌شود، لذا معنی وجود و هستی را برمی‌آورد (سجادی ۱۳۷۵، ۱۱۵). ذات مقدس خداوند به دنبال تجلی و هویت بخشی بر دایره ممکنات و خارج شدن آن‌ها از کیم عدم منشأ هستی و هویت بخشی به موجودات و انسان بوده و هر موجودی به مقتضای ذات و استعداد و قابلیت خویش پذیرای ظهور حق می‌گردد (تقوائی ۱۳۹۱).

هویت معطوف به شناخت مرز خود از دیگری است و به زندگی معنا می‌بخشد. نکته قابل تأمل در این مفاهیم آن است که هویت در ارتباط با انسان، چیزی از پیش موجود نمی‌باشد، بلکه همیشه ساخته و نو به نو می‌شود (تقوائی ۱۳۹۱).

در حوزه روانشناسی یکی از مشخصات شخصیت را احساس هویت می‌دانند و آن عبارت است از احساسی که انسانی نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد و یگانگی و وحدتی که در تقابل اوضاع و احوال متغیر خارج همواره در حالات روانی خود حس می‌کند. این ثبات یکی از خصایص هویت شخصیت انسانی است (قرایی و سهرابی ۱۳۸۴، ۵۵).

از دیدگاه پدیدارشناسانه، هویت انسان‌ها با هویت مکان‌ها در آمیخته و در مکانی که واجد کاراکتر و معنی باشد، رشد می‌یابد (nislens-pincus et al. 2010). هویت، آن شاخصه‌های ممتازی است که بودن یک پدیده را پدیدار می‌سازد. واضح است که دامنه‌ی عینیت آن را سوژه در ارتباط با نیازها، خواست‌ها و آرزوهای خود مبتنی بر تجربه‌ی زمانی مشخص می‌سازد (شریفی و دیگران ۱۳۹۲). هویت به امری دوطرفه اطلاق می‌شود؛ یعنی تصویری در ذهن انسان است و شاخصه‌ای در پدیده وجود دارد که وحدت این دو عامل، منجر به احراز هویت

است. به همین دلیل سرشار از معنا، واقعیت‌های کالبدی و تجربه‌های انسانی بوده و رابطه عاطفی عمیقی با انسان برقرار می‌کند. مکان محل وقوع رخدادهاست، داشتن مکانی مشترک به معنای داشتن هویت مشترک است، یعنی متعلق به یک گروه بودن است (میرمقتدایی ۱۳۸۳، ۹).

مکان‌ها مملو از کیفیت‌های، گوناگون هستند و از این رو، مداخلات انسانی در مکان، زمانی به بهترین وجه به ثمر می‌نشیند که این کیفیت‌ها به خوبی شناخته شوند. مکان‌ها اساساً به دلیل وجود کیفیت‌های ذاتی موجود در محیط فیزیکی، مکان است (شریفی و دیگران ۱۳۹۲، ۲). از دیدگاه رلف رویدادی احساسی است که سبب تغییر فضا به مکان می‌شود و این نشان می‌دهد که ادراکات و احساسات ما از فضا در ذهن، مکانی دارند، فضا، زمانی به عنوان مکان شناخته می‌شود که تصویرهای ذهنی اولیه، خاطرات و تجربه‌های ما و به نوعی خود ما را تداعی کنند (Gallagher and Sorensen 2006). مکان‌ها بامعنی و احساسات بشری آمیخته‌اند مکان ترکیبی است از خاطره، تجارب حسی و روایت‌هاست (میرمقتدایی ۱۳۸۵، ۸).

مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویداد شکل گرفته‌اند. با آغوشن آن‌ها بامعنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند یعنی به سبب روی دادن خاطره‌ی جمعی، فضا تبدیل به مکان می‌شود.

مکان‌ها دارای سمبل‌هایی هستند که برای انسان دارای معنی، محتوا و بایستگی هستند، از این رو مکان‌ها منابع مهمی از عناصر هویتی‌اند (شریفی و دیگران ۱۳۹۲، ۶).

پدیدار را می‌توان چیزی دانست که به خودی خود ظاهر است یعنی آنچه خود را نشان می‌دهد: «نه از آن جهت که از چیز دیگری حکایت می‌کند یا مدول چیز دیگری است». (دارتیک ۱۳۷۶، ۱۳۸).

بر این اساس پدیداری جهان به میزان و چگونگی ادراک و التفات ذهن انسان و پدیدارشناسی به مراتب بازگشت به خود اشیا برمی‌گردد (اشمیت ۱۳۷۵، ۲۳).

پدیدارشناسی به مکان زیستی اهمیت می‌داد که زندگی هرروزه در آن شکل می‌گرفت. سکونت کردن به شکل سکنی گزیدن و آرامش انسان در زیست جهانش توسط فیلسوف نامدار قرن بیستم، هیدگر، مطرح گردید. مکان با شناخت‌شناسی پدیداری در حوزه جغرافیا و معماری با کارهای شولتز با تأکید بر شناخت تجربی روح مکان آغاز گردید (Norberg-Schulz 1996, ذکر شده در شریفی و دیگران ۱۳۹۲، ۶ و نوربرگ شولتز ۱۳۸۱) «از دست رفتن مکان» در دوران جدید را با هویت‌زدایی برابر می‌دانست. از نظر وی، مکان تجلی آشکار «زیست جهان» است، وی فهم معماری چونان «هنر مکان» را بدان معنا می‌دانست که آثار منفرد دست در دست یکدیگر داده تا کلتی را تشکیل دهند، که به تک‌تک آن‌ها معنا ببخشد.

توآن گره‌های مثبت و مؤثر در مکان را بیان نمود. او همچنین از اصطلاحات درون مکانی و بیرون مکانی به همراه رلف برای توصیف وجود مردم به عنوان بخشی از یک مکان استفاده کردند (Tuan 1974). مکان‌ها محلی هستند که در آن عناصر بامعنا وجود دارد. ساختن آن‌ها سخت است زیرا به مرور زمان و به وسیله تاریخ، خاطرات و اسطوره‌ها تولید می‌شوند (Rotenberg 2012, 241).

مکان مفهومی انتزاعی و ذهنی نیست بلکه نخستین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان

جدول (۲). بررسی مفهوم مکان در دیدگاه‌های مختلف

مکان‌ها ذاتاً پایگاه‌های معنایی هستند که در طول زندگی بر اساس رویداد شکل گرفته‌اند. با آغشتن آن‌ها بامعنا، افراد و گروه‌ها یا جوامع، فضا به مکان تغییر می‌کند یعنی به سبب روی دادن خاطره‌ی جمعی، فضا تبدیل به مکان می‌شود.	(حبیبی ۱۳۸۷)
مکان ترکیبی است از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر، تجربه شخصی، اهمیت دادن و پاسداری از کاشانه و زمینه‌ای برای سایر مکان‌ها	(Relph 1976)
کسی مکان را به‌عنوان ساختار اصلی شناخت‌شناسی تجربه انسان، مورد بحث قرار داده است	(Casy 1993)
مکان، فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد. این تعریف به صورت "مکان = فضا + معنی" بیان می‌شود.	Darlish Harison 1996 (and)
گالاگر بیان می‌کند: فضا، زمانی به‌عنوان مکان شناخته می‌شود که تصویرهای ذهنی اولیه، خاطرات و تجربه‌های ما و به‌نوعی خود ما را تداعی کنند.	(Gallagher 2006)
مکان‌ها محلی هستند که در آن عناصر بامعنا وجود دارد. ساختن آن‌ها سخت است زیرا به‌مرور زمان و به‌وسیله تاریخ، خاطرات و اسطوره‌ها تولید می‌شوند.	(Rotenberg 2012)
مکان‌ها مملو از کیفیت‌های، گوناگون هستند و از این رو، مداخلات انسانی در مکان، زمانی به بهترین وجه به ثمر می‌نشیند که این کیفیت‌ها به‌خوبی شناخته شوند. مکان‌ها اساساً به دلیل وجود کیفیت‌های ذاتی موجود در محیط فیزیکی، مکان است.	(شریفی و همکاران ۱۳۹۲)
از دیدگاه نوربرگ شولتز مکان کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است، مجموعه این عناصر شخصیت محیطی را تعریف می‌کنند.	(Norberg-schulzt 1975)

مأخذ: نگارندگان

### ۲-۳- هویت مکان

در اصطلاح هویت مکانی سه مفهوم نهفته است. مکان، هویت و قلمروهای مقوم و بر سازنده این دو مفهوم مکان‌های زیست خود ویژگی‌های انسانی و رفتاری را تا حدودی مشخص می‌کنند. برعکس هم صادق است، مکان‌ها به‌وسیله‌ی هویت‌های انسانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به لحاظ شناخت‌شناسی، هویت مکانی عبارت از فهم و تبیین الگوها و قانونمندی‌های ساختاری - عملکردی منظم و مشخص در یک مقیاس فضایی است که با تغییر مقیاس فضایی و زمانی نظم و بی‌نظمی در آن پیدا و پنهان می‌شود (شریفی و دیگران ۱۳۹۲، ۱).

هویت مکان داخل مفهوم بزرگ‌تری از خود، به‌صورت یک کل منسجم صورت می‌پذیرد و به‌وسیله‌ی ترکیبی از خاطرات، مفاهیم، عقاید، تفاسیر و احساسات شکل‌گرفته در چارچوب، قلمروهای فیزیکی خاص تعریف و تعیین می‌گردد. حس مکان، وابستگی به مکان و

تعلق مکانی، این‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های هویت و بر اساس درک و فهم محیط‌زیست قابل‌ملاحظه است این درک محیط شامل دودسته یکی خاطرات، تفکرات، ارزش‌ها و قلمروها، و دیگری شامل خصوصیات پدیداری مکان است ( Proshansky, Fabian, and Kaminof ) (1983).

تغییرات هویت مکانی حتی در طول زندگی هر فرد ممکن است اتفاق بیفتند تغییراتی که منشأ خاطرات او می‌شوند، چیزی که در طول نسل‌های متمادی نیز صورت می‌گیرد. پرسپکتیو مکان از دترمینیسم طبیعی جایی که محیط به‌مثابه مکان تمام رفتارهای انسانی را تعیین می‌کرد، به رابطه و تعامل انسان - محیط شکل دینامیک و پویایی تغییر معنا داده است (شریفی و دیگران ۱۳۹۲، ۶).

هویت مکانی به سبب درهم تنیدگی محیط و انسان به وجود می‌آید. ما بخشی از محیط اطرافمان هستیم.

راپاپورت در تعریف هویت محیط مصنوع هویت را خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عنصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تعریف می‌کند (Rapaport 1990, 153).

لینچ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به معنای بسیار ساده معنی مکان تعریف می‌کند، هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد (لینچ ۱۳۷۶، ۱۰۵).

به عقیده الکساندر، هویت در محیط فرهنگی تجلی می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده، وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد، مگر آن که قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد، توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورت، پاسخ مناسبی به کشش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد (Alexander, Ishakawa, And Silverstein 1977).

والتر بور، نیز عقیده دارد هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناختن یک مکان (خوانایی محیط) می‌شود و حس دل‌بستگی و حساسیت به محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی، وجود تنوع و جذابیت است. در شکل و نحوه قرارگیری فضاها، در طرز دسترسی به فضاها و در کاربری‌ها نیز می‌باید وجود داشته باشد (برزگر ۱۳۸۳، ۱۹۷).

هویت مکانی برآیند شناخت مکان و ایجاد پیوند روانی با آن است (رضازاده ۱۳۸۰).

هویت مشخصه اصلی تجربیات مکانی است که هم بر روی تجربیات، تأثیر دارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. آنچه در میان است فقط شناخت تفاوت‌ها و

همه چیز قسمتی از یک کل است و دنیاها را انسانی و طبیعی همگی بخشی از یک تسلسل اند (Bell 2007). بدین روی، مداخله انسان در مکان با شناخت کاراکتر اصلی مکان و تأویل درست‌تر از آن بهتر و پایدارتر خواهد بود و محیط‌های مناسب انسانی متناسب با این کاراکتر شکل می‌گیرند (Seamon 2004). گره‌گاه‌های زیستی برای الگوهای سکونتگاهی مبتنی بر توانشان انتخاب و به شکل ارگانیکی و متأثر از ویژگی‌های هندسه‌ی طبیعی تکامل پیدا می‌کنند. این مکان‌ها هویت منحصر به فردی پیدا کرده و دارای اصالت هویت می‌شوند. مهم‌تر اینکه هویت‌بخش جوامع انسانی در قالب نژادها، زبان‌ها، مذهب‌ها، ملت‌ها و سرزمین‌ها در طی تاریخ می‌گردند (شریفی و دیگران ۱۳۹۲، ۱۲).

کالن هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و مشابهت در محیط‌های شهری از طریق به جلوه درآوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند.

جیکوبز نیز هویت را در رابطه با فعالیت‌ها و زندگی در خیابان‌های شهری از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری تعریف می‌کند. وی معتقد است شهرها امن‌تر، قابل زندگی‌تر و پرجاذبه‌تر می‌شوند چنانچه خیابان‌هایشان به ترکیب پیچیده‌ای از فعالیت‌های مختلف اختصاص داده شوند (سلسله ۱۳۸۸، ۷).

به گفته‌ی شولتز هویت مکانی نوعی شناخت‌شناسی انسانی الگوهای پیرامونی محیط‌زیست است که مکان را برای سکونتگاه خود و آرامش گرفتن در آن در طی تاریخ طولانی و با تکامل تجربه‌های خود اختیار کرده است (Nurberg-Schulz 1996).

مجموعه‌ای از رخدادهای شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها شخصیت یک مکان یا هویت آن را شکل می‌دهد شولتز ارتباطی بین معماری، مکان و هویت فرهنگی برقرار می‌کند و معتقد است تجربه مکان تجربه معنای مکان است (Norberg-Schultz 1981).

هویت‌ها در هر صورت میان-ذهنی ترکیب شده و تشکیل یک هویت مشترک هویت مکان را می‌دهند. نایرن اعتقاد دارد این موضوع ناشی است از تجربه اشیاء و فعالیت‌های مشابه و یا آنچه برای یافتن کیفیت‌هایی از مکان که مورد تاکید گروه‌های هم فرهنگ باشد، آموزش داده می‌شود (Carmona 2003، ذکر شده در تقوائی ۱۳۹۱، ۱۰۴).

تعلقات مکانی را به‌عنوان بخشی از هویت مکان مطرح نمودند. در این بازه‌ی زمانی، اصطلاحات دیگری چون حس مکان و وابستگی‌های مکانی مطرح گردید (Altman and low 1992).

پذیرش مشابهت‌ها بین مکان‌ها نیست، بلکه عمل بنیادی‌تر، شناسایی تشابه در عین تفاوت است هویت مکان به‌عنوان یکی از راه‌های ارتباط بین انسان و مکان، بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که مستقیماً با جسم او در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph 1976).  
یان نایرن اذعان می‌دارد که: «به‌اندازه انسان‌ها، هویت‌های مربوط به مکان وجود دارد». زیرا هویت در تجربه، نگاه، ذهن و نیت ناظر، به همان اندازه موجود در ظاهر فیزیکی شهر یا منظره و چشم‌انداز وجود دارد.

جدول (۳). مفهوم هویت مکانی از دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف

تعریف	اندیشمند
هویت در محیط هنگامی تجلی می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط وی حاصل شده باشد. وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی‌اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آنکه قادر به شناخت عمیق محیط و تشخیص آن بوده و توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند در چه زمانی و به چه صورتی پاسخ مناسبی به کنش‌های انجام‌یافته در آن محیط بدهد. تنها به این ترتیب است که نظم خاصی که نتیجه آن بروز و ظهور هویت در محیط کالبدی است به وجود خواهد آمد.	(Alexander 1977)
هویت را معادل معنی مکان تلقی و این‌گونه تعریف می‌کند: هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به‌عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد. در همین رابطه وی هویت را به همراه ویژگی‌های دیگری مانند ساختار، سازگاری، شفافیت و خوانایی عاملی می‌داند که معنی مکان را در نزد ناظر، شکل می‌دهند.	(Lynch 1981)
هویت را خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تعریف می‌کند. در این تعریف وی بر دو نکته تأکید دارد: نخست اینکه، هر هویت محیطی، متضمن یک محتوا و درونی است که ذات و ماهیت خودش را شخص می‌سازد و دیگر آنکه دارای مرزی است که آن را از بیرون و غیر خودش جدا می‌سازد.	(Rapaport 1982)
در مطالعه مکان، مطالعه رویدادها و حوادثی را که در آن اتفاق می‌افتد، مهم دانسته و معتقد است که مجموعه‌ای از رخدادها، شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها شخصیت یک مکان یا هویت آن را شکل می‌دهد.	(Norberg-Schultz 1981)
هویت در محیط حاصل اندرکنش سه جزء متشکله آن است: - ویژگی‌های کالبدی محیط - کارکردها و فعالیت‌های قابل مشاهده در محیط - و معانی و مفاهیم قابل درک در آن	(Relph 1976)
هویت را توجه به شخصیت فردی هر محیط و پرهیز از یکنواختی و مشابهت در محیط‌های شهری از طریق به جلوه در آوردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌کند.	(Calean 1971)
عقیده دارد هویت، همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث بازشناختن یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دلستگی و حساسیت نسبت به محیط را به وجود می‌آورد. خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از یکنواختی و وجود تنوع و جذابیت است. تنوع تنها در حیطه شکل محیط نیست که ضروری می‌نماید، بلکه تنوع در انواع فضاهای خدماتی، در شکل و نحوه قرارگیری فضاها، طرز دسترسی به فضاها و در کاربری‌ها نیز می‌باید وجود داشته باشد.	والتر بور (به نقل از دانشپور، ۱۳۸۳)
هویت محیط یا مکان را به‌عنوان یک نظام شناختی از مکان‌ها و محیط‌های شهری که به فرد کمک می‌کند رفتار و زندگی خود را در آن سامان دهد توصیف می‌کند. به عقیده وی هویت محیط زیرساختی از هویت شخص است که از شناخت‌های ذهنی فرد از دنیای کالبدی که در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌شود. در درون چنین شناخت‌های وابسته به محیط کالبدی است که گذشته محیطی شخص، شامل مکان‌ها و فضاهایی که فرد به‌نوعی با آن‌ها در ارتباط بوده و در تأمین نیازهای مختلف زیستی، روانی و اجتماعی او نقش داشته‌اند، اهمیت پیدا می‌کند.	(Proshansky 1983)

### ۳- عوامل تأثیرگذار بر هویت

#### ۳-۱- هویت و انسان

یکی از مسائل مهم که بر تبیین هویت تأثیر مهمی دارد، انسان، باورها و میزان شناخت و آگاهی او، هم در مقام طراح و مؤلف و هم در جایگاه بهره‌بردار و شناسنده‌ی معماری است (تقوائی ۱۳۹۱).

هویت به این معنا که انسان محیط ساخته شده را بشناسد آن گونه که آن محیط با ذهنیت او همخوانی داشته باشد. به طور مثال معماری، آن معماری‌ای باشد که بتواند به خواست‌ها و نیازهای انسان پاسخ دهد. این نوع مفهوم از هویت طیف گسترده‌ای از کیفیات ادراکی را شامل می‌گردد که از ظاهری‌ترین امور- نظیر اینکه مدرسه همان مدرسه درک شود نه چیز دیگر- تا ادراکات بسیار عمیق‌تر از محیط را در برمی‌گیرد مانند آن چیزی که الکساندر از آن با عنوان «کیفیت بی‌نام» یاد می‌کند: «یک کیفیت محوری وجود دارد که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا، یا طبیعت بکر است. این کیفیت عینی و دقیق است، اما نمی‌توان نامی بر آن گذاشت» (Alexander 1977).

#### ۳-۲- هویت و زمان

از آنجایی که فعالیت‌های انسانی در طول زمان و در مکان معنا می‌یابند، این فعالیت‌ها در طول زمان خاطراتی را در ذهن انسان ایجاد می‌کند، که ممکن است فردی یا جمعی باشند. با رجوع چندین باره به آن‌ها، خاطره‌ای جمعی که از عوامل هویت‌بخش انسان می‌باشند، نقش می‌بندد. جامعه‌شناس فرانسوی امیلیا تایم معتقد است که زندگی جمعی در طول تاریخ امتداد دارد و منقطع نیست و این احساس که در فرد فرد جامعه یا اکثریت آن‌ها وجود دارد، حافظه جمعی نامیده می‌شود (تقوائی ۱۳۹۱، ۶).

این پدیده غیرارادی در طول زمان و زندگی فرد و جامعه نهادینه می‌شود. هویت اجتماعی و حافظه‌ی جمعی در جایی حفظ می‌شود که وقتی فرد در آنجاست

حس می‌کند، مکانی که در آن مستقر است با سایر نقاط متفاوت است (خسرو خاور ۱۳۸۳).

هرچقدر زمان گذشته دارای بستر بیشتری برای فعالیت‌های مختلف و خاص بوده باشد، بر ضخامت حافظه جمعی آن جامعه افزوده می‌شود (حیبی ۱۳۸۳).

#### ۳-۳- هویت و مکان

مکان از طریق عناصر معنادار به وجود آورنده‌اش و بستری که برای فعالیت آماده می‌کند، در طول زمان داشته‌هایی ذهنی در انسان به وجود می‌آورد، که توسط آن محیط برایش دارای هویت می‌شود. لذا شناخت عناصر و خصیصه‌های به وجود آورنده محیط از جمله ملزومات کار معمار جهت هویت بخشی به آن می‌باشد (تقوائی ۱۳۹۱).

هویت به این معناست که انسان به واسطه‌ی محیط ساخته شده می‌خواهد که خود را بشناسد و خودش را پیدا کند. در این نوع مفهوم محیط ساخته شده یا به عبارتی معماری نقش یک آینه را برای انسان بازی می‌کند که انسان، بودن خود را در آن معنا می‌کند. این نگاه در پدیدارشناسی دنبال شده: در نگاه هایدگر و ویژگی اساسی بودن انسان در جهان و ادراک این بودن، سکونت تلقی شده که ساختن محیط بخش مهمی از آن را تشکیل می‌دهد محیط، تنها در صورتی به محیط اجتماعی بامعنایی مبدل می‌شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی کند (شولتر ۱۳۸۱، ۵۳).

#### ۴-۴- هویت و جامعه

سه عامل «انسان»، «محیط ساخته شده» و «جامعه» را در برقراری نسبت مفاهیم مختلف هویت معماری شناسایی کرد که این می‌تواند اشکال گوناگونی به خود بگیرد:

۱- هویت به این معنا که انسان به واسطه‌ی محیط ساخته شده بخواهد خود را به جامعه بشناسد این موضوع چیزی است که ممکن است با اصطلاح شخصی سازی فضا بیان گردد یعنی فرد با نماد و نشانه‌هایی در



می‌باشد هویت مکانی باگذشت زمان به دلیل ایجاد خاطره‌ای که در ذهن افراد بر جای می‌گذارد باعث القای حس تعلق مکانی به افراد و در نتیجه دادن هویت به آن مکان می‌شود از این رو اثری با هویت شناخته می‌شود که دارای هویتی جمعی باشد.

جدول (۴). عوامل اثرگذار بر هویت مکان

انسان	فردی	خاطرات فردی
	جمعی	باورها و اعتقادات
مکان	کیفیت فضایی مکان	کیفیت ظاهری
		کیفیت عملکردی
		کیفیت معنایی
	حس مکان	نمادها
		فعالیت‌ها
زمان	فردی	تصویر ذهنی
	جمعی	خاطره جمعی
جامعه	محیط : جامعه	شخصی سازی
	جامعه : انسان	معماری ملی و یادمانی

مأخذ: نگارندگان

## ۵- نتیجه گیری

هویت آن حقیقت وجودی است که شخص یا شیء از آن برخوردار می‌باشد. گفته می‌شود تنها پدیده‌ای که دغدغه هویت دارد، انسان است. انسان همواره به دنبال ابزاری می‌گردد که خود را به واسطه‌ی آن تبیین کند. از سوی دیگر فرد با حضور و رشد یافتن در جمع، علاوه بر آن که دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط شخصی با دیگران می‌گردد بلکه با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ خوانده می‌شود، هویت جمعی می‌یابد. اصولاً هویت یک پدیده، امری انتزاعی و منفک از سایر موضوعات مرتبط با آن پدیده نیست. مکانی که شخص در آن قرار می‌گیرد یکی از

ساختمان، خود، فرهنگ خود، موقعیت اجتماعی- اقتصادی خود و غیره را در مقابل جامعه به نمایش می‌گذارد (Lawson 2001).

۲- هویت در اینجا به معنی بازشناسی کلیت یک جامعه برای افراد آن جامعه یا دیگر جوامع به واسطه‌ی نشانه‌هایی در محیط ساخته شده است. این نوع از هویت را می‌توان در معماری‌هایی که معماری ملی و یادمانی خوانده می‌شود دید. به عنوان مثال معماری ایرانی که مشتمل بر سبب‌ها و نشانه‌های ایران گذشته است. «نشانه‌ها که محصول یک ساختار اجتماعی و قلمروی هستند بر تغییرات آن نیز تأثیر می‌گذارند» و این چیزی است که به بیان دوتوس وظیفه‌ی معمار را در به کارگیری نشانه‌های تولیدشده توسط اجتماع تعیین می‌کند؛

۱- شناساندن خود به جامعه: شخصی سازی محیط  
 ۲- شناساندن جامعه به افراد: معماری ملی و یادمانی  
 عوامل هویت بخش در سطوح اولیه، معانی خود را از طریق بصری با اندازه، شدت، فراوانی، اختلاف و خلاقیت به بیننده منتقل می‌کنند و در سطوح ثانوی بیننده از طریق انطباق آن با صورت خیالیه، عادات اکتسابی تداعی، حافظه و تجربه که نقش شرایط محیطی و قوم مداری، شهرت، خاطره و ما تقدم ذهن نیز بر آن تأثیرگذار است، آن را دریافت و از طریق تدافع ادراکی، حالت انگیزشی، و وضعیت مشاهده، از خود واکنش نشان می‌دهد (حبیب، نادری، فروزانگهر ۱۳۸۷، ۱۰).

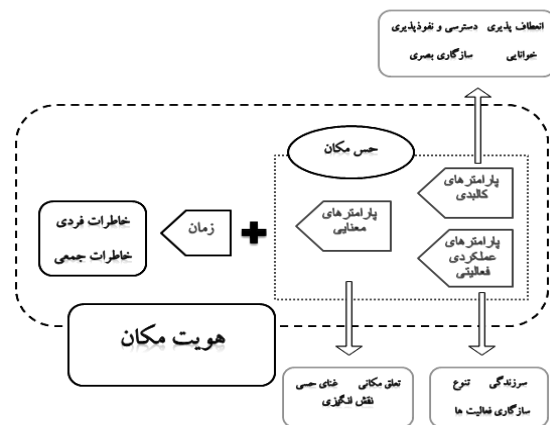
## ۴- نتایج و بحث

معماری ظرفی برای مظلوفش که انسان است می‌باشد از این رو انسان و باورهایش در هویت بخشی به مکان نقش مهمی ایفا می‌کند از عوامل تأثیرگذار دیگر مکان است ویژگی‌ها و کالبد مکانی که در آن فعالیت‌های انسانی رخ می‌دهد از پارامترهای مورد توجه دیگر

- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۷. معماری و راز جاودانگی. ترجمه قیومی بیدهندی، مهرداد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- برزگر، رضا. ۱۳۸۳. بازشناسی هویت شهری مجموعه مقالات همایش مسایل شهرسازی ایران، جلد اول: ساخت شهری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- تقوائی، سید حسین. ۱۳۹۱. از سبک تا هویت در معماری. نشریه هنرهای زیبا ۲(۱۷): ۶۵-۷۴.
- حبیب، فرح، سیدمجید نادری، حمیده فروزانگر. ۱۳۸۷. پرسیمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت، (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر) نشریه هویت شهر ۲(۳): ۲۰-۱۴.
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۳. صور خیال شهر را پاک کرده‌ایم. مجله رایانه معماری و ساختمان ۳: ۱۱۷-۱۱۵.
- حجت، عیسی. ۱۳۸۴. هویت انسان‌ساز، انسان هویت پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری). نشریه هنرهای زیبا ۲۴: ۵۵-۶۲.
- حجت، مهدی. ۱۳۸۷. آشیانی برای مرغ باغ ملکوت. نشریه آینه خیال ۹: ۸۴-۸۸.
- دارتیک، آندره ۱۳۷۶. پدیدارشناسی چیست؟ ترجمه محمود نوالی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- رضازاده، راضیه. ۱۳۷۸. کاربرد علوم محیطی در فرایند مطالعاتی طراحی شهری، تهران.
- سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۵. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. جلد سوم. تهران: کتابخانه طهوری.
- سلسله، علی و سلسله محسن. ۱۳۸۸. بررسی تأثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر. مجله آرمان شهر ۲: ۴۷-۵۷.

موضوعات مرتبط با هویت است و می‌تواند در شکل‌گیری هویت مخاطبان آن مکان مؤثر باشد. از آنجایی که مکان نخستین قرارگاه ارتباط مستقیم با جهان و محل زندگی انسان است از این رو پرداختن به آن اهمیت می‌یابد. احساس تعلق و وابستگی به مکان از هویت مکان نشأت می‌گیرند. در نتیجه، مکانی که دارای هویت باشد می‌تواند یادآور باورها و اعتقادات افراد مرتبط با آن باشد و به هویت بخشیدن به آنان و ایجاد حس تعلق در آن‌ها کمک کند (شکل (۱)).

محیط از عناصری تشکیل شده است که در کنار هم معنادار می‌شوند. ویژگی‌ها و کیفیت‌های هر کدام از این عناصر در شکل‌گیری رفتارهای مختلف مؤثر می‌باشند. با بازشناسی ویژگی‌های کیفی مکان، راهی برای رهایی از بی‌هویتی محیط زندگی معاصر یافته شود تا به خلق مکان‌های هویت‌مند یاری رساند مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و معنایی مکان می‌توانند در بازشناسی کیفی مکان به ما کمک کنند.



شکل (۱). عوامل تأثیرگذار بر هویت مکان

مأخذ: نگارنده

## ۵- منابع

- اشمیت، ریچارد. ۱۳۷۵. تأویل پدیدار شناختی / تأویل استعلایی پدیدار شناختی هوسرل. ترجمه ضیاء، موحد. فرهنگ (۱۸).

- Farsi by B. Aminzadeh, Tehran: University of Tehran.
- Carmona, Matthew. 2003. Public spaces – Urban places : The dimensions of urban design. Architecture Press.
  - Casey, Edward. 1993. Getting Back into Place: Toward a Renewed Understanding of the Place-World. Bloomington: Indiana University Press.
  - Gallagher S., J. Brosted Sorensen. 2006. Experimenting with Phenomenology, Journal Of Consciousness and Congnition 15(1): 119-134.
  - Haggard, L.M. and D.R. Williams. 199 1. Self-identity benefits of leisure activities. In: B.L. Driver, P.J. Brown and G.L. Peterson (Editors), Benefits of Leisure. Venture Publishing, State College, PA: 103-1 20.
  - Husserl, E. 1970. The idea of phenemenology. Sprionger.
  - Kaltenborn, Bjorn P., and Daniel R. Williams. 2002. The meaning of place: attachments to Femundsmarka National Park, Norway, among tourists and locals. Norsk Geografisk Tidsskrift 56(3): 189-198.
  - Lawson, Bryan. 2001.The Language of Space. Architectural Press.
  - Lynch, Kevin. A. 1981. Good City Form. MIT Press, Cambridge, MA.
  - Norberg-Schulz, Christan. 1981. Genuis Loci, Rizzoli, New York.
  - Norberg-Schulz, Christan .1975. Meaning in Western Architecture, Praeger Publishers, New York.
  - NorbergSchulz, Christian .1996. The phenomenon of place , Princton press, new York Pastalan, Leon, privacy as an expression of human territoriality,university of Michigan: 88101
  - Proshansky, H.M., Fabian, A.K. and Kaminoff, R., 1983. Place identity: physical world socialization of the self. Journal of Environmental. Psychology., 3: 57-83.
  - شریفی، محمد، احمد رضوانی، محمدحسین رامشت، مجتبی رفیعیان و یوسف قویدل. ۱۳۹۲. هویت مکان و ادراک آن با رویکرد ژئوسیستمی. جغرافیا و برنامه ریزی محیطی. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان ۲(۲۴): ۱-۲۲.
  - قرایی، فریبا و سهرابی، نارسیس، ۱۳۸۷، هویت تابعی از کالبد یا کالبد تابعی از هویت: مجله عمران، معماری و شهرسازی ۳۵.
  - لینچ، کوین، سیمای شهر ترجمه منوچهر مزینی. ۱۳۷۲. تهران: دانشگاه تهران.
  - لینچ، کوین. ۱۳۷۶. تئوری شکل خوب شهر. ترجمه حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
  - میرمقصدائی، مهتا. ۱۳۸۳. معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا. ۱۹: ۱۷-۲۶
  - میرمقصدایی، مهتا و طالبی، ژاله. ۱۳۸۵. هویت کالبدی شهر تهران. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
  - نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۱. معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی. تهران: نشر جان جهان.
  - Alexander, Christopher, Sara Ishakawa and Murray Silverstein .1977 .A Pattern Language–Towns, Buildings, Construction. Usa: Oxford University Press.
  - Altman, I. and S.M. Low. 1992. Human Behavior and Environment, Vol. 12: Place Attachment. Plenum Press, NY. Architectural Press, Oxford Auckland Boston.
  - Bell, Simon. 2007 . Landscape: Pattern, Perception, and Process. Translated to

- 
- Relph, Edward. 1976. Place and Placelessness. London: Pion. review: 1-15.
  - Rotenberg, R. 2012. Space, place, site and locality: the study of landscape in cultural anthropology. In Exploring the boundaries of landscape architecture, Edited by Bell, S., Herlin, I. & Stiles, R. Routledge
  - Seamon, David. 2004. In Tom Mels, ed., Grasping the Dynamism of Urban Place: Contributions from the Work of Christopher Alexander, Bill Hillier, and Daniel Kemmis. In Tom Mels, ed., Reanimating Places (pp. 123-45). Burlington, Vt: Ashgate.
  - Tuan, Yi-Fu, 1974. Topophilia: A Study of Environmental Perceptions, Attitudes, and Values. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall.

## Analysis of the Concept of Place Identity and Factors Affecting it

Sanaz Beheshti Rad<sup>1\*</sup>, Reihaneh-Alsadat Sajad<sup>2</sup>

---

### Abstract

Investigating the concept of Place as the primary setting that has direct relation with universe and human surrounding is important. Sense of belonging and place attachment stem from place identity; hence, a place that has identity can represent people's beliefs and faiths and create an identity and sense of belonging for them. On the other hand, placelessness leads to identity loss. In today's placeless world, place identity crisis is one of the most obvious problems in architecture.

The methodology of this research is deskwork with qualitative approach. This paper tries to seek the concept of place identity and its effective factors, through investigating different concepts and perspectives about identity and place, using a descriptive-analytical method. Analyses indicate that effective factors of place identity can be categorized in four main groups: place, time, human and society related factors. Also, the research presents factors which are subsets of the quad main factors in addition to explaining how and why the main factors relate to place identity.

**Keywords:** *Identity, Place, Place Identity, Human, Time*

---

---

1- MA student of Architecture daneshpajooohan Higher Education Institute

2- PhD, Conservation of Historice Building and Sites, Atr University of Isfahan

\* Corresponding Author: [sanaz.brad@yahoo.com](mailto:sanaz.brad@yahoo.com)